

اتاقِ روشن

اندیشه‌هایی دربارهٔ عکاسی

رولان بارت
ترجمهٔ نیلوفر معترف



www.nashr-e-chashmeh.com
021-88888888
021-88888888

فهرست

بخش اول

- | | |
|----|-------------------------|
| ۱ | ویژگی عکس |
| ۲ | عکس رده بندی ناپذیر |
| ۳ | احساسات در حکم راه تازه |
| ۴ | عکاس، شبح و تماشاگر |
| ۵ | کسی که عکاسی شده |
| ۶ | تماشاگر: بحران سلیقه ها |
| ۷ | عکاسی در حکم حادثه |
| ۸ | پدیدارشناسی سردستی |
| ۹ | دوگانگی |
| ۱۰ | استودیوم و پونکتوم |
| ۱۱ | استودیوم |
| ۱۲ | اطلاع رسانی |

انوار تابناک، رنگ	۳۴
شگفتی	۳۵
تصدیق	۳۶
سکون	۳۷
مرگ بی بعد	۳۸
زمان در حکم پونکتوم	۳۹
عمومی خصوصی	۴۰
موشکافی	۴۱
شبهات	۴۲
تبار	۴۳
اتاق روشن	۴۴
آن	۴۵
نگاه	۴۶
جنون، همدردی	۴۷
عکس رام	۴۸

رنگ کردن	۱۳
غافلگیر کردن	۱۴
دلالت کردن	۱۵
برانگیختن تمناً	۱۶
عکس تک سویه	۱۷
همجواری استودیوم و پونکتوم	۱۸
پونکتوم: مشخصه‌ای جزئی	۱۹
سیمای ناخواسته	۲۰
خلاً	۲۱
پس از حقیقتی و سکوت	۲۲
نقطه‌ی کور	۲۳
ترک سخن	۲۴

بخش دوم

"یک شب..."	۲۵
تاریخ در حکم فاصله گذاری	۲۶
شناسایی	۲۷
عکس باغ زمستانی	۲۸
دختر کوچک	۲۹
آریادنه	۳۰
خانواده، مادر	۳۱
"آنچه - بوده - است"	۳۲
زست	۳۳

روزی، خیلی پیش از این، اتفاقاً عکسی دیدم از ژروم^۱، کوچک‌ترین برادر ناپلئون، که در ۱۸۵۲ گرفته شده بود. با حیرتی که هنوز هم قادر به کاستنش نیستم دریافتم: "من چشمانی رامی‌نگرم که امپراتور را نگریسته است." گاه بر این حیرت اشارتی می‌کردم، اما چون به نظر می‌آمد نه کسی در آن سهیم است و نه حتی آن را می‌فهمد (زندگی سرشار از این خرده اشارت‌های تنهایی است) از یادش بردم. شوقم به عکاسی فرهنگی‌تر شد. قطعاً عکاسی را در تقابل با سینما دوست داشتم، با وجود این، از تفکیک‌شان عاجز بودم. این مسئله مدام جدی‌تر می‌شد. مغلوبِ شوقی "هستی‌شناسانه" بودم: می‌خواستم به هر قیمت عکاسی را چنان که "درخود" بود، در آن ویژگی ذاتی که از تمامی دیگر تصاویر متمایزش می‌کرد، بفهمم. چنین شوقی، در حقیقت به این معنا بود که جدا از شواهد